

# گفتگو با پروفسور فراگنر "من به ایرانیان احترام می‌گذارم"

فریبا امینی

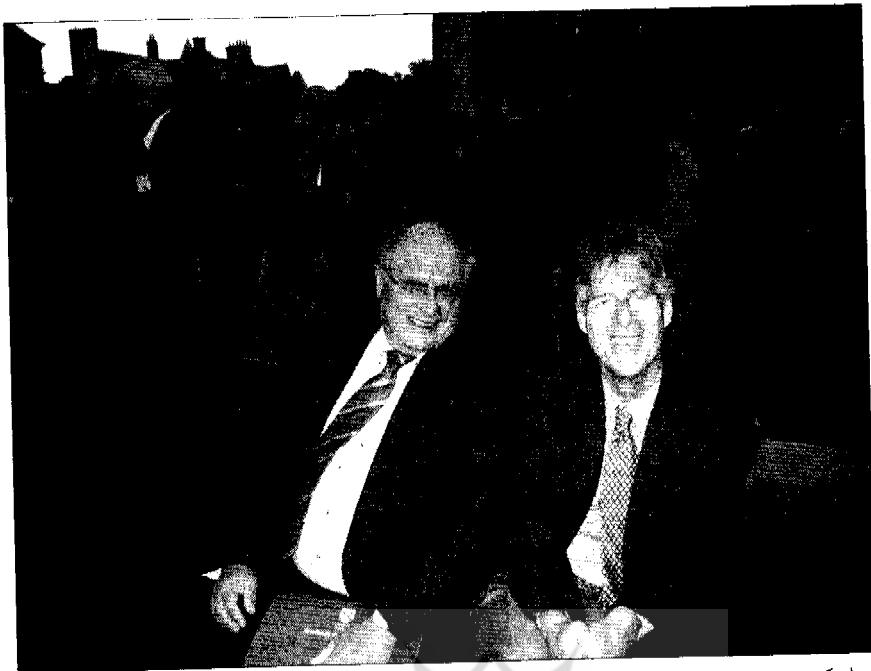
۱۶۷

بخارا  
سال سیزدهم  
شماره ۷۶  
مرداد - شهریور  
۱۳۸۹

دکتر یرت فراگنر که شهروند کشور اتریش است، به تازگی از سمت خود به عنوان رئیس مطالعات ایران در وین بازنشسته شد. او سالها در آلمان تدریس کرده و بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۹ رئیس انستیتوی مطالعات ایران در اکادمی علوم اتریش بود. او مقالات و کتب زیادی در مورد تاریخ، فرهنگ، زبان و حتی آشپزی ایران نوشته است. اخیرا کتاب او «گلوبال لب» یا «آزمایشگاه جهانی» با همکاری نویسنده‌ای انگلیسی، به چاپ رسیده است. دکتر فراگنر به زبان های فارسی، ترکی و عربی مسلط است. مصاحبه را در ذیل می‌خوانید.

## چه طور شد که به ایران علاقه مند شدید؟

من به مدت ۴۵ سال است که در مورد ایران مطالعه و تحقیق می‌کنم. البته باید بگویم که نخست این علاقه جنبه کودکانه و رومانتیک داشت. حال به یاد ندارم که اصلا چه گونه به وجود آمد. ولی تا آنجایی که به خاطر دارم علاقه خاص من به علم سنگ شناسی (کانی شناسی) بود و هنوز بر این باورم که شاید هم مناسب تر بود. در آن زمان که تصمیم گرفتم که وارد مطالعه تاریخ شوم نخست علاقه زیادی به تاریخ چین و کشورهای دیگر آسیایی را داشتم ولی این رشته در دانشگاه وین تدریس نمی‌شد این در سالهای ۱۹۵۰ بود. شاید هم انتخاب بهتری بود. در هر حال وارد مطالعات شرق شناسی شدم و سه زبان عربی ترکی



• با دکتر رودی مته در کنفرانس تاریخ نگری در شهر سنت اندروز، اسکاتلند (عکس از فریبا امینی)

(عثمانی) و فارسی را یاد گرفتم. البته زبان ترکی در دانشگاه وین اهمیت بیشتری داشت ولی خوب فارسی برآن برای من غلبه کرد و دانش زبان فارسی مورد علاقه خاصی برای من شد.

قبل از این که از این سمت بازنشسته شوید شغلتان چه بود؟

من اول به عنوان رئیس دپارتمان در آلمان بازنشسته شدم. من از سال ۱۹۸۵ در دانشگاه آزاد برلین و سپس در بمبرگ تا سال ۲۰۰۳ تدریس می کردم و سپس از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ در انستیتوی مطالعات ایران در وین که بیشتر کار تحقیقی می کردم تا تدریس که بسیار دوست داشتم.

چه جنبه هایی از تاریخ ایران بود که شما را تحت تاثیر قرار داد؟

بنظر من تاریخ ملی هرکشوری با تاریخ جهان ادغام می شود و ارتباط نزدیک دارد والخصوص تحت تاثیر تفکر ساختاری و گاهی ساخت شکنی است... بنابراین من به دنبال تم ها یا موضوعات بزرگ در تاریخ جهان و یا ایران نبوده و نیستم. به من نگوید که در مورد بخشی از تاریخ ایران که خیلی اهمیت دارد یا برجسته است یا ممکن است که من اهمیت زیادی به آن بدهم صحبت کنم. در واقع من این طور فکر نمی کنم. اخیرا کتابی را خواندم نوشته یک تاریخ شناس کانادایی با اسم تیموتی بروک که متخصص تاریخ چین است. او

کتابی نوشته باسم «کلاه ورمیر» چاپ لندن ۲۰۰۸ من از خواندن این کتاب بیش از هر کتاب دیگر در این دو سال اخیر لذت بردم ولی برای کسی که در مورد ایران و تاریخ آن شناخت دارد متاسفانه حتی یک کلمه در مورد آن نوشته نشده است. در هر حال از نظر من بسیاری از جوانب تاریخ ایران را می شود در تحقیقات رودی مته پیدا کرد...

### چه خصوصیتی را در ایرانیان تحسین می کنید؟

من به یک نوعی به طرز برخورد ایرانیان، به ارزیابی تاریخشان و فرهنگ جاودانی شان و این که چگونه با آن درامیخته اند و نگاه می کنند را تحسین می کنم. من یک فرد ساخت شکن (در جنبه تاریخی آن) هستم و شاید تا حدی طرز فکری که عظمت ایرانیان و استثنا بودن آنان را بیان می کند را قدری املی می بینم و فکر میکنم ایرانیان مانند دیگر ملیت ها و تمدن ها بخش مهمی از جامعه و تمدن جهانی هستند، ولی استثنا نیستند. شاید من مهم بودن و تک بودن تمدن ایران را نه در تولیدات آن و نه در جلوه های آن، بلکه قدرتش در گفتمان با دیگر تمدن ها می بینم. من این را در مقاله ای بنام «پرسوفونی» (تفاوت های زبان فارسی و انواع مختلف آن در کشورهای فارسی زبان در دوره های مختلف تاریخی) نشان میدهم و در واقع می گویم که زبان فارسی یک نوع ارتباط فرهنگی ماورا ایران در دوران ماقبل و در اوائل دوران مدرن را داشته که بخش مهمی از تاریخ جوامع آسیا و خاور نزدیک بوده است. من دلم می خواهد به ایران به عنوان بخشی خارج از درجه بندی های عمومی که در درون تاریخ تمدن است نگاه بیافکنم و نه به عنوان یک مرکز ثقل. به عنوان فرهنگی تک که در پروسه ادغام با دیگر فرهنگ های دیگر سرزمین های کنار خود مانند هند، عثمانی و قفقاز شکل گرفته است. مشکل من این است که بسیاری از متفکرین ایرانی هستند که اهمیت تمدن و فرهنگشان را در این رابطه می بینند. من لزوماً با آنها موافق نیستم و فکر می کنم این طرز تفکر باید با گذشت زمان تغییر کند. در کنفرانس دانشگاه ییل در باره هویت ایرانی این بحث مهم ما بین دکتر عباس امانت و دکتر یارشاطر صورت گرفت که قابل توجه است. تفاوت های اساسی بین این دو طرز فکر وجود دارد...

### به کدام شخصیت های سیاسی و ادبی احترام می گذارید و چرا؟

از نظر شخصیت های سیاسی و همچنین به عنوان شاعر به کسانی که شاید شما نشناسید. من به دکتر مصدق احترام خاصی دارم. به نظر من او سمبول بالقوه تفکر دموکراتیک و جامعه مدنی ملت ایران است. از نظر علاقه ام به شعر شاید با دیگران قدری فرق داشته باشم. من سبک هندی شعر فارسی را دوست دارم. مثلاً من بیت های شاعر هندی، بیدل را که در بین افغان ها و مردم آسیای مرکزی بسیار معروف بود را دوست دارم. او در بین ایرانیان زیاد شناخته شده نیست. از نظر شاعر ایرانی، من به نوع شعر «بازگشت ادبی» که سبک ملک



• پروفیسور فرانگتر با دکتر تورج دریایی و شہرام خلدی (عکس از فریبا امینی)

الشعرای بہار است کہ در سہ جلد "سبک شناسی" بیان شدہ است، بسیار علاقہ مندم.

۱۷۰

### شما فکر می کنید چه نوع حکومتی برای ایران مناسب است؟

بہ عنوان یک تاریخ شناس من با نگاہ متفاوتی بہ ایران نگاہ می کنم. این اصلا ربطی بہ تفکر من نسبت بہ مدلی کہ برای آیندہ سیاسی یک کشور مناسب است، ندارد. من حتی گاہ نمی دانم کہ کدام مدل برای کشور خودم ایدہ ال است چہ برسد برای ایران. خب من اگر یک مسلمان بودم شاید می گفتم نوع حکومتی مثل جموری اسلامی مناسب باشد. اگر یک کمونیست بودم شاید دولت سوسیالیستی را ترجیح می دادم و اگر ہم لیبرال نوعی از اقتصاد لیبرال را. این جواب ہا ہیچکدام بہ من این پاسخ را نمیدهند کہ رابطہ شخص من با ایران چگونہ است بلکہ اعتقادات سیاسی مرا بیان می کند. این در مورد تمام کشورهای دنیا صدق می کند. شاید ہم من در واقع کانی شناسی (سنگ شناسی) بیش نیستم کہ تاریخ شناس شدہ ام.

### شما در مورد آشپزی ایرانی ہم نوشتہ اید؟ چہ غذاهایی را دوست دارید؟

من ہمیشہ علاقہ خاصی بہ غذای ایرانی داشتہ ام و در این مورد ہم نوشتہ ام و حتی آشپزی ہم می کنم. بہترین غذایی را کہ دوست دارم کلہ پاچہ است. بعد پلوہای مختلف از جملہ آلبالو پلو و باقلا پلو. بعد فسنجان البتہ آن طور کہ مردم در گیلان می خورند یا می

خوردند یعنی با اردک. کوفته تبریزی را نیز بسیار دوست داریم. از زبان و دنبلان تا بقیه. من دوستان زیاد ایرانی دارم و گهگاهی ما با هم غذای ایرانی درست می‌کنیم.

**وضع مطالعات ایران در اطریش چطور است؟ آیا مانند دیگر کشورهای اروپا در خطر است؟**

من این را در مورد اطریش نمی‌توانم بگویم، چون مطانعات ایران در هیچ دانشگاه دیگری در اطریش وجود ندارد. انستیتوی ما در این زمینه بسیار قوی است بنابراین در وین مطالعات ایران پابرجاست.

**آخرین باری که به ایران رفتید چه وقت بود؟**  
جالب است که آخرین بار در سال ۲۰۰۹ به عنوان یک توربست به ایران رفتم. با تعدادی از دوستان و فامیل از وین که بسیار لذت بخش بود.

**کتاب شما «گلوبال لب» یا «آزمایشگاه جهانی» در مورد چیست؟**  
این کتاب کاتالوگی است در ارتباط با نمایشگاهی که ما در وین در سال ۲۰۰۹ ترتیب دادیم که گلوبالیزاسیون در دنیا را در دوران اولیه قرون ۱۶ و ۱۷ نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**توجه توجه**

**آدرس جدید سایت بخارا**

**[www.bukharamag.com](http://www.bukharamag.com)**